

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۰
دوره ۱۴، شماره ۱ (پیاپی ۲۶)، صفحات: ۸۱-۱۰۸
مقاله علمی ترویجی

توصیف و تحلیل علمی نسخه‌ای دیگر از وافی به کتابت عالم برجسته ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی

رضا شجری*

الهام عربشاهی کاشی**

چکیده

نسخه‌های خطی در شمار مهم‌ترین میراث مکتوب علمی، فرهنگی و هنری بشر با اطلاعات تاریخی، مذهبی، ادبی، فرهنگی و هنری است. مرحوم ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی یکی از علمای مشهور طاهرآباد کاشان بوده که در زهد و ورع و تقوا و فقاہت شهره خاص و عام بوده است؛ ولی متأسفانه از ایشان، جز یک نسخه خطی از کتاب *وافی* مرحوم علامه فیض کاشانی، اثر دیگری باقی نمانده است. این اثر به هنر خوش‌نویسی، کتابت و همچنین تسلط به زبان و خط عربی و وسعت دایره اطلاعاتی ایشان از دانش‌های قرآنی، حدیثی و فقهی دلالت دارد. از این رو نگارندگان کوشیده‌اند تا ضمن معرفی اجمالی علامه فیض و کتاب *وافی* ایشان، با روش توصیفی تحلیلی به بررسی و تحلیل محتوایی عناصر کتاب‌شناختی نسخه خطی مرحوم ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی نیز پرداخته و بدین وسیله اطلاعات کتاب‌شناسی این اثر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. پژوهش‌ها نشان داد که ملا محمدحسن، در رونویسی نسخه *وافی*، بسیار روشمند عمل کرده؛ به گونه‌ای که برای تصحیح اغلاط، سعی کرده تا از روش‌های متنوعی بهره بگیرد؛ همچنین با توجه به متن نسخه، می‌توان به دقت نظر و امانتداری ملا محمدحسن در استنساخ این نسخه پی برد. از سویی، تحلیل کتاب‌شناختی این نسخه می‌تواند تا حدودی، گزارشگر مشخصات سبک نگارش عصر کاتب و اختصاصات سبکی دوره وی باشد.

کلیدواژه‌ها: فیض کاشانی، *الوافی*، نسخه خطی، ملا محمدحسن ناصحی، طاهرآباد.

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طاهرآبادی

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول / rshajari@kashanu.co.uk.ir

** دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / e.arabshahi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۷



۱. مقدمه

نسخه‌های خطی و دست‌نویس‌ها از مهم‌ترین موارث علمی فرهنگی و هنری مکتوب هر ملت‌اند که اطلاعات تاریخی، ادبی، فرهنگی و هنری بسیاری را در بر دارند (نقوی و خنجری، ۱۳۹۴: ۲-۱)؛ به عبارت دیگر، این اسناد مکتوب کاغذی، همان میراث جاودان فرهنگ و تمدن بشری و انتقال‌دهنده اطلاعات و اندیشه هر نسلی به نسل آینده است و می‌تواند باعث استفاده از تجربیات گذشتگان شود (محمودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۵). همچنین شایان ذکر است با توجه به اینکه نسخه‌های خطی، دست‌نوشته‌های یک سند تاریخی است، می‌تواند از جنبه تولید، خصوصیات فیزیکی و تزئیناتی نیز مورد بررسی قرار گیرد (کریمی و فرزام، ۱۳۹۷: ۱۶۱). در حقیقت، تحلیل و بررسی نسخ خطی از حیث اطلاعات کتاب‌شناختی، ساختاری و تحلیل محتوا بسیار ارزشمند است و نسخه‌های خطی اسلامی یا دست‌نویس‌هایی که تمامی آن با خط و الفبای زبان عربی کتابت شده، در شمار ارزنده‌ترین میراث مکتوب تمدن بشری، همواره مورد توجه خاص محققان قرار داشته‌اند و می‌توان اذعان کرد با توجه به اینکه کاشان در شمار یکی از قطب‌های علمی و فرهنگی، در طول تاریخ اسلام شناخته شده، از حیث نسخه‌های خطی، بسیار غنی و در شمار یکی از کانون‌های مهم استنساخ نسخ خطی ذکر شده است. طبق آمار ارائه‌شده، کاشان از حیث فراوانی نسخه‌های خطی، در رتبه هشتم، از نظر مکان تألیف با وجود ۲۶ اثر در رتبه چهاردهم و از نظر مکان استنساخ در رتبه دوازدهم قرار دارد. البته شایان ذکر است که بیشتر این آثار در قرن یازدهم هجری قمری (دوره صفویه) توسط اندیشمندان، شاعران و فقیهان برجسته شیعی مذهب، تألیف و تدوین شده‌اند و در کل، باید اذعان کرد که کاشان در توسعه و ترویج فرهنگ و زبان ادب فارسی، سهم بسزایی داشته است (صادق‌زاده و ایقان، ۱۳۹۷: ۴۵).

۲. شرح و معرفی اجمالی نسخه اصلی (کتاب الوافی)

کتاب الوافی یکی از جوامع حدیثی متأخر بوده که جوامع اربعه پیشین را در بر گرفته و دارای یک مقدمه، چهارده بخش با عنوان «کتاب» و یک خاتمه است. مقدمه کتاب شامل سه مقدمه با عناوین در مورد شناخت علوم دینی، در شناخت اسانید و اصطلاحات و قواعد کتاب است. فهرست چهارده‌گانه کتاب شامل کتاب العقل و الجهل و التوحید، کتاب الحجة، کتاب الایمان و الکفر، کتاب الطهارة والزینة، کتاب الصوم و الاعتکاف و المعاهدات، کتاب الحج و العمرة و الزیارت و المشاهد، کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر و القضاء و الشهادات، کتاب المعایش و المعاملات، کتاب المطعم و المشرب و التجمیل، کتاب النکاح و الطلاق و الولادة،

کتاب الموت و الارث و الوصیه و کتاب الروضة است. عدم شمول همه روایات مهم در کتب اربعه و اختلاف ابواب و تعارض عناوین با مواضع روایات و همچنین طولانی بودن روایات به دلیل تکرار آن‌ها سبب شده تا فیض کاشانی کتاب الوافی را تألیف کند (شاملی و بناییان اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۲۵)؛ به عبارت دیگر، این کتاب در علم حدیث و شامل پانزده جزء است که جمع و ترتیب و نهایت تهذیب تمامی اخبار کتب اربعه (الکافی، من لایحضره الفقیه، التهذیب و الاستبصار) و توضیح و بیان مشکلات آن‌ها و حل مشابهات آن‌ها و تفسیر آیات متعلقه به آن‌ها با کمال دقت و متانت و یک مرتبه تمامی آن در سه مجلد بزرگ و یک مرتبه نیز فقط دو جلد اولی آن در تهران چاپ شده است (نقیبی، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۱۲). تاریخ تألیف کتاب الوافی جمعه سنه ۱۰۶۸ق است و کتاب الشافی المنتخب من الوافی از این کتاب استخراج شده و به منزله اصول و ارکان با حذف معارضات و مکررات و اسانید راویان حدیث است که فقط به ذکر محکمت‌ها اکتفا کرده و در واقع مختصر شده کتاب الوافی است و در دو جزء تبویب شده که در جزء اول عقاید و اخلاق و در جزء دوم شرایع و احکام بیان شده و تاریخ تألیف آن سنه ۱۰۸۲ق است (نقیبی، ۱۳۸۷: ۲۳۷؛ نیز نک: فهیمی تبار، ۱۳۸۷: ۳۱۷-۳۲۰؛ شفیع، ۱۳۸۷: ۱۱۰-۱۱۱). یکی از ویژگی‌های انکارناپذیر وافی، بیان‌ها، توضیح و تفسیر ابهامات در ذیل احادیث است که فیض با این توضیحات خود، خدمات شایانی به عالمان و حدیث‌پژوهان نسل‌های بعد از خود کرده است (موحدی محب، ۱۳۸۷: ۵۷). با توجه به اینکه کتاب وافی از جوامع مشهور حدیثی و روایی است و سال‌ها این کتاب در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شده؛ بارها در دوره‌های مختلف استنساخ شده است که در اینجا به تعدادی از این نسخه‌ها اشاره می‌شود:

۱-۲. نسخه به خط نسخ، دوشنبه ۳ محرم ۱۱۳۳، عناوین به شنگرف، اهدایی مهدی عاملی، جلد تیماج قهوه‌ای سوخته، عطف گالینگور آبی ۲۸۳ گ/ ۱۹ س، ۲۵×۱۹ سم (حسینی اشکوری، ۱۳۹۴: ۳۲).

۲-۲. نسخه به خط نسخ، جزء چهارم تا ششم را دارا بوده، مربوط به ۲۵ جمادی الآخر ۱۰۶۹ق است که عناوین به شنگرف تصحیح شده و دارای دو حاشیه با عنوان محمد علی بن الحسن و غلام رضا در آغاز کتاب چهار برگ وصال شده و بر روی آن‌ها جداولی در اسامی رجال به =کاررفته در کتاب و اسامی اصحاب اجماع و چند یادداشت پراکنده آمده و بر روی برگ آغازین وقف‌نامه کتاب در ربیع‌الثانی ۱۱۳۳ق دیده می‌شود؛ اهدایی مهدی عاملی، جلد تیماج قرمز عطف و گوشه‌های تیماج مشکی فرسوده، ۴۴۴ گ، ۲۵ س، ۲۸×۱۹ سم (همان: ۷۰).

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طاهرآبادی

۳-۲. نسخه به خط نسخ، که از انجام افتادگی دارد و انجام افتاده عبارت است از: «فلما ولد عبدالله لم یکن یقدر أن یدبحه و رسول الله صلی الله علیه و آله فی صلبه فجاء بعشر من الابل...». این نسخه از سده یازدهم است که عناوین به شنگرف تصحیح شده و با حواشی مختصر با عناوین «منه دام ظلّه» اهدایی مهدی عاملی آرانی است. در برگ‌های آغازین، فهرست مطالب کتاب و وقف‌نامه آن از مولانا عبدالباقی دیده می‌شود. جلد تیماج قرمز سر طبل دار ۲۸۲ گ، ۲۴ س، ۲۵/۵×۱۴ سم که شامل ابواب الحدود تا ابواب القصاص و الدیات را در برگرفته و از انجام افتادگی دارد (همان: ۱۳۷).

۴-۲. نسخه به خط نسخ، از اوایل سده دوازدهم که شامل الحجه بوده و از انجام افتادگی دارد. انجام افتاده کتاب به عبارت «قال قلت و اللیل اذا یغشیها قال ذاک ائمه الجور الذین استبدوا بالامر دون آل الرسول...» ختم شده که عناوین به رنگ شنگرف به خط کاتب تصحیح شده و با حاشیه‌نویسی مختصر روی برگ اول دو یادداشت در دعا آمده؛ جلد تیماج قهوه‌ای؛ عطف پارچه‌ای خاکستری، ۲۲۲ گ، ۲۲ س، ۲۶×۱۹ سم (همان: ۲۳۶).^۱

یکی از نسخه‌های معتبری که از روی جزء پنجم و ششم کتاب *وافی با خط خوش* استنساخ شده، نسخه ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی است که به‌تازگی به دست ما رسیده و در پژوهش حاضر، به تحلیل و بررسی عناصر کتاب‌شناختی آن پرداخته شده است.

۳. پیشینه و اهمیت پژوهش

نسخه *وافی* در شمار آثار مشهور حدیثی ملامحسن فیض به زبان عربی است و همان‌طور که اشاره شد، بارها استنساخ شده و نسخه‌های خطی فراوانی از آن به جای مانده است.^۲ همچنین پژوهش‌های فراوانی درباره انواع دست‌نوشته‌ها و نسخ خطی انجام گرفته؛ برای مثال، بنی‌اقبال و همکاران (۱۳۹۳) در «تحلیل کتاب‌شناختی نسخه‌های خطی فارسی دوره صفویه با تأکید بر ویژگی‌های کتابتی و نوع خط»، فریدونی و عمادی (۱۳۹۰) در «بررسی عناصر فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی و تعاریف آن‌ها» و اسکندری (۱۳۹۴) در «بررسی عناصر نسخه‌شناسی و کتاب‌آرایی در جنگ‌ها و مجموعه‌های خطی موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی»، به تحلیل و بررسی عناصر کتاب‌شناختی، فهرست‌نویسی و نسخه‌شناسی نسخه‌های خطی پرداخته‌اند. صادق‌زاده و ایقان (۱۳۹۷) در مقاله «سهم و جایگاه کاشان در حوزه نسخه‌های خطی اسلامی ایران و عراق» به تعیین جایگاه کاشان در خصوص نسخ خطی اسلامی ایران و عراق پرداخته است. نقوی و خنجری (۱۳۹۴) در مقاله «معرفی پنج نسخه خطی قاجاری متعلق به

مؤسسه و کتابخانه موزه ملی ملک»، آراسته (۱۳۹۳) در «بررسی کتاب‌های چاپ سنگی ایران دوره محمد شاه تا اواسط دوره ناصری، موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی از بعد ویژگی‌های کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی، قواعد فهرست‌نویسی و ساختار مارک» و عبدالمین (۱۳۹۴) در «مجموعه عرایض و نامه‌های اشخاص به ناصرالدین شاه»، ویژگی‌های کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی نسخه‌های عصر قاجار را تحلیل و بررسی کرده‌اند. همچنین شاملی و بناییان اصفهانی (۱۳۸۸) در مقاله «روش فیض کاشانی در شرح احادیث غیر فقهی بر اساس کتاب الوافی» به روش‌شناسی فیض در زمینه احادیث غیر فقهی وافی اهتمام ورزیده‌اند؛ اما تاکنون هیچ اثری درباره بررسی و تحلیل محتوایی عناصر کتاب‌شناختی نسخه خطی مرحوم ملا محمدحسن ناصحی طهرآبادی و همچنین زندگی او انجام نگرفته است؛^۳ در حالی که تحلیل و بررسی این گونه آثار از حیث کتاب‌شناسی و معرفی ویژگی‌های نسخه و کاتب آن، بسیار اهمیت داشته و می‌توان اطلاعات علمی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و هنری فراوانی را از این نسخه‌های خطی استخراج کرد؛ در این پژوهش سعی نگارندگان بر آن است تا به تحلیل و بررسی کتاب‌شناسانه این اثر گران‌سنگ حدیثی بپردازند.

۴. تحلیل نظری مبانی پژوهش

کتابت (استنساخ یا نسخه‌برداری یا تکثیر کتب خطی) قبل از ورود صنعت چاپ توسط کاتبان انجام شده است؛ شغل کتابت در صدر اسلام منحصر به کلام وحی بود ولی در ادامه به حوزه‌های گوناگون راه یافت. در فرهنگ و تمدن اسلامی، کاتب با اسامی صحاف، وراق، مستنسخ، کاتب و نویسنده خوانده می‌شده است (اسکندری، ۱۳۹۴: ۱۲).

۴-۱. معرفی کاتب نسخه (ملا محمدحسن ناصحی طهرآبادی)

مرحوم ملا محمدحسن ناصحی طهرآبادی در سال ۱۳۰۱ق برابر با سال ۱۲۶۳ش (مقارن با حکومت ناصرالدین شاه قاجار) در طهرآباد کاشان دیده به جهان گشود. پدرش «ملا محمد حسین طهرآبادی» از روحانیون بنام منطقه بود و به سبب اشتها در زهد و تقوا و برخورداری از معارف دینی زبازد خاص و عام بود؛ مردم منطقه، کرامات و عنایات زیادی از او سینه‌به‌سینه نقل کرده‌اند. پدر بزرگ او «ملا محمدحسن» و جد او «ملا محمد علی» نیز از علمای سرشناس و پارسای طهرآباد و منطقه بوده‌اند. تولد و پرورش در دامان چنین خانواده‌ای و علاقه به معارف دینی، او را نیز راهی حوزه‌های علمیه و کسب دانش‌های دینی کرد. او دروس حوزوی را در مدارس علمیه کاشان، به‌ویژه مدرسه سلطانی و نزد استادان بنام آن روزگار آموخت. هم‌زمان با

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کاتب عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طهرآبادی

تحصیل در بازار کاشان و در مغازه‌ای مسگری مشغول کار شد تا بتواند هزینه‌های معاش و تحصیل خویش را تأمین کند. هوش سرشار و جدیت و پشتکار این طلبه جوان باعث شد دوره‌های مختلف تحصیلی را با موفقیت پشت سر گذاشته و در علوم دینی تبحر لازم را به دست آورد. از آنجا که در آن روزگار هنوز حوزه علمیه قم اشتهار و اعتباری نیافته بود، طلاب ایرانی نیز برای کسب معارف عالی دینی و احیاناً اخذ درجه اجتهاد به ناچار عازم نجف می‌شدند. ملا محمدحسن نیز تصمیم داشت به همراه دوست و هم‌درس خویش آیت‌الله میر سید علی یثربی به نجف مهاجرت کرده تا دروس تکمیلی را تا درجه اجتهاد ادامه دهد؛ اما به سبب درخواست و اظهار نیاز مردم منطقه خویش و توصیه آیت‌الله خالصی‌زاده مجتهد مشهور کاشان مبنی بر اجابت دعوت مردم، از این سفر منصرف شد. او سپس با پذیرش امام جماعتی مسجد جامع طاهرآباد، فعالیت‌های مذهبی و علمی خویش را گسترش داد و نه تنها به رفع مشکلات مذهبی حقوقی و خانوادگی مردم طاهرآباد می‌پرداخت، بلکه به عنوان مرجع مذهبی، به دعاوی و مشکلات مردم روستاها و بخش‌های اطراف همچون راوند، خزاق، یزدل، بالا عباس‌آباد و... رسیدگی می‌کرد. او همچنین به درخواست مردم منطقه، بعضی از شاگردان خویش را به منظور آموزش قرآن و احکام دینی به روستاهای اطراف فرستاد که از این میان می‌توان به مرحوم حجت‌الاسلام شیخ محمدعلی کریمی معروف به شیخ قلی و مرحوم استاد محمد ذاکری اشاره کرد که سال‌ها به ترتیب در جوشقان و نوش‌آباد، به امر آموزش معارف دینی و قرآنی اشتغال داشتند. مرحوم شیخ حسین مسجدی نیز از دیگر شاگردان و مبلغان این عالم برجسته بود که علاوه بر طاهرآباد در روستاهای دیگر نیز به امر ارشاد مردم همت می‌گماشت.

از ویژگی‌های مهم زندگی ملا محمدحسن، ساده‌زیستی، زهد، قناعت و مناعت طبع ایشان بود. او در کنار فعالیت‌های مذهبی به کار کشاورزی و دامداری نیز می‌پرداخت تا بتواند بخشی از هزینه‌های زندگی ساده و عیال‌واری خویش را تأمین کند. به‌رغم دستور رضاخان پهلوی مبنی بر ممنوعیت روحانیون از پوشش عمامه و لباس روحانیت، او و برادرش ملاعلی‌اکبر که از واعظان مشهور کاشان و منطقه بود، به سبب مرتبه بالای علمی از این قانون مستثنا شدند و همچنان با لباس روحانیت به فعالیت‌های خویش ادامه دادند. آن‌ها همکاری با رژیم پهلوی را جایز نمی‌دانستند و تصدی مشاغل کشوری و لشکری را نیز منوط به اجازه مراجع و مجتهدان برجسته عصر می‌دانستند. مرحوم ملا محمدحسن علاوه بر آشنایی و تسلط در علوم مختلف، از خط زیبایی هم برخوردار بود. متأسفانه از آثار و نوشته‌های او جز نسخه‌ای خطی از کتاب *وفی*

مرحوم علامه فیض کاشانی که به خط زیبای خویش نگاشته، اثری باقی نمانده است ولی همین اثر با آنکه در روزگار جوانی و ۲۵ سالگی نگاشته شده، بر اثبات هنر خوش‌نویسی و کتابت او و همچنین تسلط او به زبان و خط عربی و وسعت فهم و آگاهی او از دانش‌های قرآنی، حدیثی و فقهی دلالت دارد. سرانجام، این عالم برجسته و زاهد وارسته پس از یک دوره کوتاه بیماری در روز ۲۱ دی‌ماه ۱۳۳۸ شمسی برابر با سیزدهم رجب ۱۳۷۹ قمری و درست یک هفته پس از درگذشت دوست دیرینش، آیت‌الله میر سید علی یتربی، رخت از جهان فانی برگرفت و به‌سوی معبود ازلی‌اش، سفر ابدی را آغاز کرد. خبر درگذشت این عالم پارسا موجی از اندوه و مصیبت در دل‌های دوستداران و مردم منطقه ایجاد کرد. دسته‌های عزاداری از طاهرآباد، راوند و روستاهای اطراف به راه افتاد و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه، در جوار اجداد پاکش که امروزه «مقبره آقا» خوانده می‌شود، سپرده شد.

۲-۴. معرفی مؤلف (ملا محسن فیض کاشانی)

محمد بن مرتضی ملقب به محسن و متخلص به فیض در سال ۱۰۰۷ق در کاشان در خانواده‌ای که کانون دانش، اخلاق و ادب بود، متولد شد و پس از فراگیری مقدمات علوم دینی و سطوح عالی آن، حکمت متعالیه را از محضر ملا صدرا فراگرفت و با کسب فیض از محضر عالمان بزرگ عصر خویش، آگاهی‌های فقهی، اصولی، حدیثی، فلسفی و عرفانی خود را غنا بخشید. وی از اجلای علمای امامیه و فقهی‌محدث و مفسری محقق در قرن یازدهم هجری، مقارن با عهد شاه‌عباس ثانی است که در زمینه حکمت، کلام، الهیات، علوم عقلی و نقلی، سرآمد و جامع و در خبر فهمی و تفتن، به معانی احادیث و اخبار دینیه، بی‌نظیر و در تطبیق اصول ظواهر با بواطن و جمع ما بین اصول شریعت و طریقت، متفرد بوده‌اند.

افرادی مانند ملا محمد تقی مجلسی، نورالدین محمد بن ضیاء‌الدین رازی (دایی فیض)، بهاء‌الدین محمد عاملی (شیخ بهایی)، سید ماجد بن سید هاشم حسینی بحرانی، محمد ابراهیم شیرازی (ملا صدرا)، میر محمد باقر حسین مشهور به میرداماد، ملاخلیل قزوینی، مولا صالح مازندرانی، محمد طاهر بن محمد حسین قمی، سید ابوالقاسم میرفندرسکی در شمار مشایخ فیض بوده‌اند؛ همچنین فیض در عرفان، بیشتر از افکار محیی‌الدین عربی، در فلسفه از ملا صدرا و در اخلاق از امام غزالی تأثیر پذیرفته است (براتی، ۱۳۸۷: ۵). فیض، حکمت و تصوف را نیز با یکدیگر جمع کرده و از بحر موج دانش و بصیرت ملا صدرا ی شیرازی بهره برده است (نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۱۵۵). افرادی همچون علم الهدی، محمد باقر مجلسی، لطف‌الله شیرازی،

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کتابت عالم
برجسته ملا محمد حسن
ناصری طاهرآبادی

عبدالغفور بن شاه مرتضی (برادر فیض)، شیخ حرعاملی، شاه افضل کاشانی برادرزاده فیض، شاه مرتضی بن محمد مؤمن، یوسف الموتی مؤلف رساله اخلاق و جمعی دیگر در زمرة شاگردان فیض اند. ملا محسن فیض کاشانی با جهد بلیغ خویش موفق به تألیف دهها اثر ارزشمند شده است؛ برخی آن را نزدیک به دویست اثر دانسته و عده‌ای نیز از ۱۴۴ اثر او نام برده‌اند (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۹-۱۲؛ نقیبی، ۱۳۸۷: ۶-۱۴ و ۸۸؛ نیز نک: سبحانی صدر، ۱۳۹۸: ۱۴-۲۹). با توجه به اینکه بحرانی، صاحب *لؤلؤ البحرين*، به ذکر تصانیف فیض پرداخته، در اینجا به برخی از آثار ایشان اشاره می‌شود: *الصابی، الأصفی، الوافی، معتصم الشیعة فی احکام الشریعه، مفاتیح الشرایع، النخبه، التطهیر، علم الیقین فی اصول الدین، اصول المعارف، اللب، تنویر المذاهب، أنوار الحکمه، الأربعین فی مناقب أمير المومنین (ع)، اللباب، الكلمات المخزونه، الخطب، ترجمة الصلاة، الرسالة الموسوعة بشرایط الايمان، فهرست العلوم، الرسالة الموسوعة بشرح الصدر، الرسالة الموسومة بالمحاكمه، الرسالة الموسومة بجهاز الأموات و... را یاد کرده است. تصانیف فیض، بیشتر درباره موضوعاتی مانند تفسیر، حدیث، عقاید، توحید، معاد، امامت و ولایت، دعا، اخلاق، تراجم، فقه، اصول فقه، منتزعات، ادب و سایر علوم نگاشته شده است (نقیبی، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۷؛ نیز نک: فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۶).*

۳-۴. مشخصات نسخه ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی

۳-۴-۱. معرفی اجمالی ساختار و محتوای نسخه

این نسخه که شامل جزء پنجم و ششم کتاب *وافی* است، در مجموع، دارای ۴۸۷ صفحه است و با ذکر آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم»، از صفحه ۷ شروع و بلافاصله به متن اصلی وارد شده؛ شایان ذکر است که آغاز جزء پنجم و انجام جزء ششم این نسخه، دارای افتادگی است. البته ملا محمدحسن برای شروع جلد ششم، به تهیه فهرست مطالب قبل از شروع نسخه ششم، اهتمام ورزیده است. کیفیت مطالب در فهرست این جلد، بدین شرح است که وی تمام مطالب این جلد را در قالب یک صفحه و به صورت پیوسته و بدون فاصله‌گذاری فهرست کرده است. آغاز صفحه فهرست مطالب با ذکر عبارت شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين» آغاز شده و در دو طرف این عبارت شریفه از دو واژه «فهرس» و «هذا الكتاب» استفاده کرده است. مطالب این جلد را در قالب ۸۶ باب تهیه و تنظیم کرده و شماره هر باب را به فارسی و با رنگ شنگرف بالای حرف «ب» واژه «باب» نگاشته و گاهی عناوین اصلی ابواب یا سرفصل‌ها را نیز با رنگ شنگرف نگاشته و به شماره صفحه اشاره نکرده است؛ چنان‌که عناوین، خمس، زکاة المال

و اتفاق را با رنگ شنگرف برای ممتاز کردن از سایر مطالب ذکر کرده؛ برای مثال، در نسخه مذکور آمده است: «... باب ۲ العلة فی موضع الزکوة و قدرها باب ۳ ما فیہ الزکوة من الاموال باب ۴ زکوة الذهب و الفضة...» (نسخه ملا محمدحسن ناصحی طهرآبادی، ۱۳۲۵ق: ۱/۵)؛ البته باید ذکر شود که ملا محمدحسن موفق نشده تا تمام مطالب مربوط به این ۸۶ باب را نسخه برداری کند، بلکه وی فقط توانسته است تا باب ۴۰ از جزء ششم کتاب *وافی* را نسخه برداری کرده و کتاب در حال حاضر، به صورت ناتمام باقی مانده و در صفحه ۶۱ جلد ششم با عبارت «... علی اهل کتاب و هل علیهم فی فلک شی مؤصف لاینبغی ان یجوز الی غیره فقال ذلک الی الامام یأخذ من کل الشان» به پایان رسیده است. البته با توجه به تهیه فهرست مطالب برای جزء ششم این کتاب، می توان پی برد که حتماً ملا محمدحسن برای جلد پنجم هم علی القاعده، فهرست مطالب تهیه کرده؛ اما به دلیل افتادگی شش صفحه آغازین نسخه، اثری از مقدمه و فهرست مطالب نیست. در کل، می توان این گونه استنباط کرد که ملا محمدحسن ناصحی به احتمال زیاد، فقط به استنساخ همین دو جلد اکتفا نکرده و ممکن است نسخه برداری هایی هم از جلدهای آغازین کتاب *وافی* داشته که به دست ما نرسیده و همانند شش صفحه آغازین این نسخه مفقود شده است. آستر بدرقه کتاب^۵ هم اکنون بر اثر آسیب دیدگی جلد کاملاً از یکدیگر منفک شده و عطف را در بر نمی گیرد. گاهی هم کاتب برای حفاظت صفحات اصلی نسخه، چند برگ سفید در اول و آخر نسخه تعبیه کرده است که در این برگها، بر اثر مرور زمان، مطالب ارزشمندی مانند تملک نسخه، تاریخ ولادت ها و وفات ها یا ماده تاریخ افراد مشهور در آن تحریر می شده است (آراسته، ۱۳۹۳: ۵۲). همچنین ملا محمدحسن، بعد از پایان جزء پنجم کتاب *وافی*، سه صفحه از نسخه دست نویس خود را به صورت سفید و بدون ذکر مطلب آورده؛ که در حقیقت، نه فقط نوعی فاصله گذاری برای شروع جزء ششم کتاب *وافی* با ذکر فهرست مطالب است، بلکه خالی بودن این صفحات از اطلاعات ماده تاریخ و تملک نسخه و... نشان می دهد که این نسخه در دسترس دیگران قرار نگرفته؛ از این رو، بدون حاشیه و فاقد مطلب باقی مانده است.

۲-۳-۴. مشخصات کتاب شناسی نسخه

در اینجا به ذکر پاره ای از مهم ترین مشخصات کتاب شناسی نسخه مذکور، اشاره می شود:

۱-۲-۳-۴. موضوع نسخه

توصیف و تحلیل
علمی نسخه های دیگر
از *وافی* به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طهرآبادی

شناسایی و معرفی موضوع نسخه های خطی از اهمیت بسیاری برخوردار است. در تحلیل کتاب شناختی نسخه های خطی فارسی دوره صفویه، موضوع نسخه ها، به ترتیب فراوانی، در شش

گروه علوم ادبی (شعر، منشآت، کلیات ادبی و...)، تاریخ و جغرافیا، علوم دینی و حدیث، علوم طبیعی و ریاضی، اخلاق و عرفان و علوم غریبه خلاصه شده است (بنی‌اقبال و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸)؛ که با توجه به دسته‌بندی ایشان، نسخه ملا محمدحسن ناصحی با توجه به اینکه از روی کتاب الوافی نوشته شده، علم حدیث و به زبان عربی است.

۲-۲-۳-۴. عنوان اصلی و فرعی یا مشهور نسخه

یکی دیگر از اجزای اصلی نسخه‌های خطی، عنوان اصلی و نیز عنوان فرعی یا مشهور آن است که در نسخه ملا محمدحسن با توجه به اینکه در آغاز نسخه، افتادگی داشته و نسخه از صفحه ۷ شروع شده، ما از عناوین این نسخه اطلاعی در دست نداریم. البته نداشتن عنوان، از مواردی است که در بین نسخ خطی امری شایع بوده است. در ضمن، آسیب‌های فیزیکی و شیمیایی روی جلد، سبب شده تا اطلاعات زیادی از آن به دست نیاید.

۳-۲-۳-۴. تحشیه

تحشیه در شمار یکی از اجزای بسیار مهم نسخه‌های خطی و دست‌نویس است که بر اساس نظر فهرست‌نگاران، حواشی یک نسخه می‌تواند مختصر یا مفصل (اعم از توصیفی، تشریحی، لغوی، تفسیری، ادبی و...) باشد و کمیت آن را نسبت به کل اوراق نسخه می‌توان با عبارات اکثر، بعضی یا اول اوراق نسخه بیان کرد؛ همچنین زمان کتابت نسخه و معرفی کاتب حواشی نسخه-اغلب با رمز و حروف مختصر-از دیگر مواردی است که در حاشیه‌نویسی بدان توجه می‌شود (آراسته، ۱۳۹۳: ۵۳). نسخه خطی ممکن است که دارای حاشیه یا هامش باشد با این تفاوت که در هامش به نگارش رساله یا کتاب مستقلی در تمام زمینه کناره‌های نسخه پرداخته شده؛ به گونه‌ای که دنباله مطالب هر صفحه در هامش صفحه دیگر آمده است، اما در حاشیه، مطالب وابسته به عبارات متن کتاب آمده؛ آن‌هم به گونه‌ای که کناره‌های سه‌گانه صفحات نسخه را شامل نمی‌شود و به شرح نسخه دیگری در ضمن مطالب کتاب نمی‌پردازد (همان‌جا). نسخه ملا محمدحسن با توجه به مطالب مذکور، فاقد هامش است و فقط در برخی از اوراق دارای حاشیه بوده و خط حواشی به نستعلیق یا ترکیب نسخ و تعلیق است. حاشیه بیشتر صفحات فاقد مطلب است و اغلب موارد تحشیه این نسخه شامل تصحیح اغلاط، جاافتادگی واژه یا عبارت، شرح و توضیح بیشتر درباره برخی از لغات متن است با رنگ مشکی و با خط نسخ ذکر شده‌اند؛ البته تعداد انگشت‌شماری از این حاشیه‌ها هم با رنگ شنگرف و با خطی متفاوت از متن (نستعلیق) بیان شده است.

۴-۲-۳-۴. محل و تاریخ کتابت

یکی دیگر از مشخصات نسخه‌های خطی اشاره به محل و تاریخ کتابت نسخ خطی است که در این نسخه خطی، متأسفانه به محل کتابت آشکارا اشاره نشده ولی می‌توان اذعان کرد که محل کتابت احتمالاً موطن ایشان، طاهرآباد یا مدرسه محل تحصیل ایشان در کاشان بوده است؛ اما به تاریخ نگارش این نسخه (۱۳۲۵)، در بخش ترقیمه جزء پنجم اشاره شده است: «... و من کمترین و کوچک‌ترین بنده حق و محتاج‌ترین کس به رحمت او آن پادشاه مهربان و بخشنده، محمدحسن طاهرآبادی از همه مطالعه‌کنندگان التماس دعا دارم، تمام شد کتاب در روز یکشنبه چهاردهم ربیع الثانی ۱۳۲۵.» (نسخه ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی، ۱۳۲۵ق: ۴۲۵/۵).

۴-۳-۵. اندازه و قطع نسخه

از دیگر مشخصات ظاهری کتاب می‌توان به اندازه و قطع آن اشاره کرد. طول کتاب ۳۵ سانتی‌متر و عرض آن ۲۲ سانتی‌متر و ارتفاع یا عطف کتاب ۲/۸ سانتی‌متر است. به‌طور تقریبی، اندازه قطع کتاب ملا محمدحسن به اندازه قطع «نیم ورقی» نزدیک است که در ابعاد ۲۲×۳۴ سانتی‌متر بوده است. حاشیه کتاب از پایین صفحه ۳/۸ سانتی‌متر، حاشیه از بالای صفحه ۵/۵ سانتی‌متر، حاشیه از سمت راست ۲/۳ سانتی‌متر و از سمت چپ ۵/۵ سانتی‌متر است که البته حاشیه بالا و پایین صفحه تا پایان کتاب ثابت و یکسان است؛ اما حاشیه سمت چپ و راست صفحه به ترتیب صفحات زوج و فرد با یکدیگر جابه‌جا می‌شود؛ چنان‌که اندازه حاشیه راست و چپ مذکور، مربوط به صفحات فرد کتاب است و این اندازه در صفحات زوج، عکس می‌شود. شماره هر صفحه به فارسی، وسط بالای همان صفحه با فاصله ۱ سانتی‌متر از نخستین سطر صفحه قرار گرفته است؛ در ضمن، فاصله بین سطرها نیز ۱ سانتی‌متر است. «قلق» کتاب از نوع غلاف پارچه‌ای محکم و چرمی مانند به رنگ قهوه‌ای سوخته است که برای نگهداری کتاب بدان ضمیمه شده است. نسخه روی کاغذ بی‌خط و نازک با یک مسطر معین نوشته و از ابتدا تا پایان نسخه ملا محمدحسن شماره سطور صفحات یکسان و برابر با عدد ۲۵ می‌باشد. اغلب نسخه‌های خطی دارای تزییناتی مانند شمسه، سرلوح، سرفصل، کنیه، طلائع‌اندازی بین سطور، زرافشانی، جدول، تحریر، ترنج، سرترنج، لچکی، تذهیب، ترصیع، تشعیر و اسلیمی هستند (فریدونی و عمادی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷)؛ اما در نسخه ملا محمدحسن تزیینات مذکور دیده نمی‌شود.

۴-۳-۶. خط و مرکب نسخه

در تهیه و تنظیم نسخه‌های خطی، به‌ویژه در عصر صفویه و قاجاریه، خط نسخ یکی از متداول‌ترین نوع خطوط بوده که وضوح و نظم، سهولت در خوانش، آسانی قرار گرفتن اعراب و

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طاهرآبادی

حرکات در آن، از مهم‌ترین مشخصات این خط بوده است که توانسته تناسب خود را با متون دینی حفظ کند؛ همچنین از قلم شکسته نستعلیق در مواقع تندنویسی و در نوشتن نامه‌ها و احکام حکومتی و دفتر اشعار بهره برده‌اند (بنی‌اقبال و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹)؛ چنان‌که ملا محمدحسن ناصحی نیز در متن نسخه دست‌نویس خود از قلم نسخ برای نگارش استفاده کرده و فقط در برخی از حاشیه‌های نسخه و ترقیمه از خط نستعلیق استفاده کرده است. در اینجا شایان ذکر است که مرکب اسناد دوره قاجار، اغلب مشکی غلیظ و وارداتی بوده و مرکب سنتی داخلی معروف به «مداد کامل طاووسی» است که از گلاب، آب مازو، حنا، وسمه، تخم مورد، عرق کاسنی، زعفران، کف دریا، صبر سوده و نمک سوده بوده که با گذشت زمان و تأثیر آب‌وهوا تغییر نکرده و پایدار بوده است؛ همچنین، جوهر نیلی و قرمز برای اعراب نگارش برخی کلمات کلیدی کاربرد داشته است و تغییر رنگ و تغییر اندازه قلم بیشتر در بسمله، دیباچه خطبه، کلمات شروع بخش، اسم صاحب سند دعا، تقویم و... خودنمایی می‌کرد (حیدری‌فرد، ۱۳۹۴: ۶). با توجه به قدمت نسخه ملا محمدحسن و ثبات رنگ مرکب نسخه، این احتمال تقویت می‌شود که مرکب این نسخه هم از نوع مرکب سنتی بوده است.

۷-۲-۳-۴. مهر و کاغذ نسخ خطی

از راه‌های شناسایی نسخه‌های خطی و تعیین تاریخ کتابت نسخه و اصولاً ملاک ارزیابی اسناد تاریخی از حیث اصالت و صحت و سقم، مطالعه مهر و امضای نسخه‌های خطی است؛ البته مهر و امضا غیر از مقوله اعتبارسنجی، در تصحیح انتقادی نسخه هم بسیار مؤثر است؛ زیرا نسخه‌شناسان با مطالعه شکل مهر، سجع و خط سجع مهر و محل آن، به‌سادگی نسخه را از حیث تاریخی و درجه اعتبار و اصالت از نسخ تقلبی، تمیز خواهند داد (کریمی و فرزاد، ۱۳۹۷: ۱۷۰؛ میرزا ابوالقاسمی و پورمند، ۱۳۹۰: ب: ۳۷۴-۳۸۵). مهرکنی و حکاکی در دوره قاجار به‌سبب اعتبار حقیقی و حقوقی طبقه متوسط جامعه در امور اسنادی و دیوانی، از رونقی نسبی برخوردار بوده و بیشتر حکاکی مهرهای برنجی (فلزی) در دوره قاجار به دو شیوه حکاکی گود و برجسته ساخته می‌شد و اغلب مملو از نقوش تصویری و گیاهی و هندسی مزین به آیات و عبارات مذهبی بود (همو، ۱۳۹۰ الف: ۶۵-۶۰). مهرها در این دوره، نقوش مختلفی داشته، اما غالباً از تصاویر گیاهان و حیوانات (پاشایی، ۱۳۹۳) یا برگرفته از سکه‌ها و مدال‌های دوره قاجار (پاشایی و جباری، ۱۳۹۱: ۱۰۴) استفاده می‌شده؛ تا جایی که حتی روی پارچه‌های عصر فتحعلی‌شاه قاجار نیز اغلب اشکال گیاهی و در اندک مواردی هم اشکال هندسی ترسیم می‌شده است (مافی تبار و کاتب، ۱۳۹۷: ۱۰۳). در نسخه

ملا محمدحسن هم سه نوع مهر دیده می‌شود که دو مورد آن از نوع برجسته بی‌رنگ و به خط تمغاً بوده است و فقط یک مهر برجسته و پررنگ در آخرین صفحه این نسخه خطی حک شده که مربوط به کاتب نسخه است.^۷ بیشتر صفحات نسخه ملا محمدحسن در حاشیه پایین نزدیک به عطف کتاب دارای دو نوع مهر برجسته بی‌رنگ است که بعد از بررسی‌های اولیه، نتایج نشان داد از قرن یازدهم به بعد، تولید کاغذهای ماشینی توسط اروپاییان و ارسال آن به ایران و هندوستان، سبب بی‌رونتی صنعت کاغذهای دست‌ساز شد؛ به گونه‌ای که در دوره صفویه و قاجاریه، تقریباً دیگر هیچ نوع کاغذ دستی، مگر در موارد محدود در ایران ساخته نشد. از ویژگی‌های کاغذ فرنگی آن است که در معرض نور، خطوط موازی یا نقوش و اشکال هندسی داشته یا نشانه‌هایی از زبان روسی یا حروف بزرگ لاتین در این مهرهای فشاری دیده می‌شود که درون کاغذ با ماشین تعبیه شده است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۴۷). هم احتمالاً در حقیقت این نشان‌های برجسته همان آب‌نشان (ته‌نقش یا واترمارک) است که در بطن کاغذهای تولیدی به صورت محو و به شیوه خاص درج شده که در نگاه اول به چشم نیامده ولی در مقابل نور با وضوح بیشتری قابل مشاهده‌اند. این نقش، با توجه به اینکه در کاغذهای دست‌ساز دوره اسلامی وجود نداشته، بهترین نشانه برای پی بردن به فرنگی بودن آن‌ها و ورودشان در دوره قاجاریه به ایران است. گونه دیگر این آب نشان‌ها، مهر نقش برجسته‌ای است که برخی از کارخانه‌های کاغذسازی، روی کاغذهایشان حک می‌کردند که شامل اطلاعاتی از قبیل نام و نقش سازنده، وزن کاغذ از نظر ضخامت و... است (کریمی و فرزام، ۱۳۹۷: ۱۷۱). با توجه به نوع کاغذ در نسخ خطی می‌توان منطقه جغرافیایی محل تولید آن کاغذ را نیز تعیین کرد (محمودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۵). در دوره قاجار، کاغذ «بتی» در ایران بسیار رواج داشته و برای نگارش اسناد یک بار مصرف مانند رقعات و یادداشت‌ها از کاغذهای تنگ و ظریف موسوم به «حریر» و «کاغذ مشق» و کاغذهای معمول ایرانی و برای اسناد مهم‌تر از کاغذهای رنگارنگ و ماشینی استفاده شده و اغلب کاغذهای استاندارد خارجی بیشتر نخودی، آبی نیلی و به‌ندرت سفیدرنگ بوده و از لندن، بمبئی، روسیه، عثمانی و به‌ندرت از فرانسه و آلمان به ایران ارسال می‌شده است (حیدری‌فرد، ۱۳۹۴: ۷). کاغذ نسخه ملا محمدحسن از نوع فرنگی، نخودی رنگ و از جنس متوسط بوده که به دلیل قدمت زمانی به نخودی پررنگ بدل شده است.

۳-۲-۸ ارزش کتابت نسخه

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طاهرآبادی

مؤلفه‌های اصالت یک نسخه خطی عبارت‌اند از: ظاهر فیزیکی نسخه، عنوان نسخه، ویژگی‌های زبانی و نگارش نسخه، ویژگی‌های هنری نسخه و ویژگی‌های جانبی (کریمی و فرزام، ۱۳۹۷:

۱۷۴). نگارش نسخه به خط مؤلف، تاریخ کتابت و زمان نزدیکی به کتابت، نسخه مأخوذ (کتابت از روی این نسخه)، تألیف برای (به سفارش کسی بودن)، وجود نام کاتب و محشی، نام گردآورنده، مذهب، واترمارک^۱ و... از ویژگی‌های جانبی برای اصالت نسخه‌اند (کریمی و فرزام، ۱۳۹۷: ۱۷۵). برای شناخت ارزش کتابت نسخه‌ها، باید به میزان صحت مطالب توجه داشته و اینکه کاتب تا چه اندازه از اشتباه در نسخه‌های خطی به دور بوده است. البته عواملی مانند تندنویسی کاتب به دلایل گوناگون مانند تأمین معاش، خستگی و خطای دید، انتقال اغلاط از نسخه مأخوذعنه به نسخه جدید، عدم تبحر کاتب نسبت به موضوع کتاب به میزان لازم، نازیبایی خط نسخه اصلی و ناخوانایی آن از مهم‌ترین دلایل وجود اشتباه در نسخه‌های خطی‌اند (فریدونی و عمادی، ۱۳۹۰: ۳-۴). با توجه به نوع اغلاط موجود در نسخه ملا محمدحسن، می‌توان گفت که بیشتر این اغلاط بر اثر خستگی و خطای دید بوده که بلافاصله هم اصلاح شده و فقط موارد اندکی از آن‌ها از چشم کاتب دور مانده است؛ همچنین باید ذکر شود که ملا محمدحسن ناصحی درخصوص اصلاح اغلاط درون‌متنی، اغلب، رسم‌الخط یا شیوه واحد و یکسانی را پیشه نکرده و به‌طور کلی از سه شیوه، برای تصحیح این اغلاط استفاده کرده که به شرح زیر است:

الف. نویسنده در موارد بسیار انگشت‌شماری، برای اصلاح غلط‌های متن، به‌جای ارجاع به پاورقی، با زدن یک شماره ریز کوچک فارسی، بالای کلمه مورد نظر خود، توضیحاتی مختصر درباره آن واژه را در حاشیه کناری نسخه و نزدیک به آن واژه ذکر کرده است؛ برای مثال در صفحه ۳۹۰ جلد پنجم، نسخه مذکور آمده است: «... فانت فغفر الله...» و بعد در کنار صفحه یعنی



حاشیه سمت راست کتاب در شرح و توضیح شکل صحیح این واژه آورده است: «و ان تغفر لی ذلک صحیح» و در ادامه این مطلب از علامت «صحیح» استفاده کرده تا بر درستی این مطلب صحه بگذارد. البته باید ذکر شود که در اسناد شرعی تحریر یافته در فارس، پس از پایان سند و نیز گاهی در پایان سجد و گواهی، «توشیح» مجتهدان با عبارت سیاقی «صحیح» به چشم می‌خورد (حیدری فرد، ۱۳۹۴: ۳۸).

ب. شیوه دوم ملا محمدحسن در تصحیح اغلاط، به این شرح است که روی واژه نادرست، لفظ فارسی «غلط» را نگاشته و شکل صحیح واژه را در نزدیک‌ترین حاشیه کتاب به واژه مذکور آورده است؛ برای مثال، در صفحه ۳۰ جلد ششم کتاب *وافی*، بالای صفحه، آغاز سطر واژه «یستبضها» ذکر شده است؛ سپس روی این واژه به فارسی، واژه غلط را نوشته و در حاشیه سمت راست، شکل صحیح واژه «یستبضیها» را ذکر کرده و بعد از علامت «صح» برای صحت گذاشتن بر مطلب استفاده کرده است.

ج. گاهی هم ملا محمدحسن بعد از اینکه کلمه‌ای را به اشتباه در متن آورده، روی واژه مذکور به صورت مورب یا کج، خط نازکی با قلم سیاه و هم‌رنگ متن اصلی کشیده و واژه درست را بلافاصله بعد از آن آورده است؛ برای مثال در صفحه ۷ جلد پنجم نسخه دست‌نویس ملا محمدحسن آمده: «کذا ذکره بعض المحققین المفسرین...» (نسخه ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی، ۱۳۲۵ق: ۷/۵). با توجه به اینکه در متن نسخه مبدأ، واژه «المحققین» وجود نداشته و ملا محمدحسن ناصحی سهواً آن را به کار برده، بلافاصله روی واژه المحققین در سطر ۱۸، خط مورب کجی کشیده و شکل صحیح واژه در متن مبدأ یعنی «المفسرین» را ذکر کرده است. البته شایان ذکر است که ملا محمدحسن بالای صفحه ۱۱۷ جلد پنجم عبارت «غلط است» را در حاشیه بالای صفحه نگاشته و از بالا تا پایین صفحه را با دو خط مورب نازک سیاه به صورت ضربدر مشخص کرده و بالای صفحه جمله «این یک صفحه غلط است» را افزوده است (نسخه ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی، ۱۳۲۵ق: ۱۱۷/۵).



توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طاهرآبادی

در مجموع، بررسی‌ها نشان داد که ۱۰۶ واژه و عبارت در متن مبدأ، به صورت نادرست ذکر شده که به یکی از سه شیوه فوق اصلاح شده‌اند.

گاهی هم ملا محمدحسن در نسخه‌برداری از نسخه اصلی کتاب *وافی* دچار افتادگی در متن شده و بخشی از متن اصلی را جا انداخته؛ پس برای افزودن آن به متن از حاشیه نسخه استفاده کرده است. وی ۱۸ بار دچار افتادگی متن شده و در حاشیه نسخه به ذکر بخش‌های افتاده از متن پرداخته است؛ چنان‌که در صفحه ۱۳۲ جلد پنجم در سطر سوم نسخه، بالای واژه «السماء»، علامت «۲» ریز با نیم‌دایره‌ای بر روی آن آورده و سپس در حاشیه سمت راست نسخه، عبارت جافتاده آمده است: «... ولیکن هذا وجهک فی موضع سجودک یه سجودک قال ابو جعفر یه قال ابو جعفر عل زراره لا تعاد الصلوة لا من خمسة الطهور و الوقت و القبلة و الركوع و السجود یه الطاطری صح صح صح» (نسخه ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی، ۱۳۲۵ق: ۱۳۲/۵).

البته باید ذکر شود که گاهی ملا محمدحسن، افزون بر این ۱۸ مورد افتادگی در متن، سهواً واژه‌هایی را جا انداخته، بدون اینکه در حاشیه متن به آن واژه‌ها اشاره شود؛ برای مثال در صفحه ۱۲ جلد پنج نسخه دست‌نویس ملا محمدحسن آمده است: «... کا یاسناده عن یه...» در حالی که در نسخه اصلی کتاب *الوافی* آمده است: «الفقیه الکافی یاسناد عن حماد عن حریر عن الفقیه». با مقایسه این دو نسخه می‌توان پی برد که ملا محمدحسن عبارت «...ه عن حماد عن حریر» را نیاورده بدون اینکه در حاشیه متن بدان اشاره کند؛ همچنین در برخی موارد هم نسخه ملا محمدحسن نکاتی افزون بر متن اصلی کتاب *الوافی* دارد؛ برای مثال، در صفحه ۱۳، جلد پنجم نسخه ملا محمدحسن آمده است: «عنه الفقهها و بالنیة» در حالی که در نسخه مأخوذه آمده است: «عنه الفقهها بالنیة...» (برای نمونه‌های بیشتر نک: نسخه ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی، ۱۳۲۵ق: ۹/۵، ۱۱، ۱۳ و...).

نشانه‌های خاص مانند مهر و امضا یا تأیید کاتب در ترقیمه پایانی هر جلد و سخنان کاتب در ظهر، در شمار ملاک‌های ارزیابی اسناد تاریخی و شناسایی اعتبار نسخه‌های خطی هستند که اغلب در آغاز یا پایان یا پشت جلد نسخه‌های خطی مرقوم شده است. جزء پنجم نسخه ملا محمدحسن دارای ترقیمه پایانی یا دعای کاتب و حمد و ستایش الهی و صحه گذاشتن بر مطالب نسخه دست‌نویس است؛ اما جزء ششم کتاب، ناقص مانده و فاقد ترقیمه است؛ همچنین اغلب کاتبان برای رعایت احترام، نام پدرشان را جلوتر از نام خود ذکر کرده و در بسیاری از نسخ، کاتب نام خود را در پایان نسخه و گاه در آغاز آن ذکر کرده‌اند (آراسته، ۱۳۹۳: ۴۶)؛

چنان‌که ملا محمدحسن هم در نسخه دست‌نویس خود، به رسم اغلب کاتبان، ابتدا به معرفی پدر خویش با عنوان فاضل کامل یاد کرده و در ادامه به معرفی خود پرداخته است: «به دست کمترین بنده حق فرزند فاضل کامل، سرورم محمدحسین (ملا محمدحسین ناصحی طاهرآبادی) که خداوند سایه‌اش را بر سرم مستدارم بدارد... و من کمترین و کوچک‌ترین بنده حق و محتاج‌ترین کس به رحمت او آن پادشاه مهربان و بخشنده محمدحسن طاهرآبادی از همه مطالعه‌کنندگان التماس دعا دارم...» (بخشی از نسخه دست‌نویس ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی، ۱۳۲۵ق: ۴۲۵/۵). البته با توجه به افتادگی کتاب در آغاز نمی‌توان به قطع گفت که نام کاتب در آغاز کتاب هم بوده است یا نه؟

۴-۲-۹. ترقیمه

ترقیمه مرحوم ملا محمدحسن در سال ۱۳۲۵ هجری قمری به خط ایشان در ۲۵ سالگی، بدین شرح نگاشته شده است: «پایان یافت کتاب نماز و دعا و قرآن که جزء پنجم از کتاب وافی است و در ادامه انشاءالله جزء ششم که مربوط به زکات و خمس و مبرات است، می‌آید. سپاس می‌گویم خداوند را در اول و آخر و ظاهر و باطن. به دست کمترین بنده حق فرزند فاضل کامل، سرورم محمدحسین (ملا محمدحسین ناصحی طاهرآبادی) که خداوند سایه‌اش را بر سرم مستدارم بدارد سپاس خداوندی را که به من توفیق داد و یاری کرد تا این بخش از کتاب را بنویسم و امیدوارم توفیق مطالعه آن را ارزانی دارد و بتوانم بر سرور و دوستم کسی که در تمام علوم بر او اعتماد دارم یعنی فقیه ماهر و محقق کامل حاج شیخ جعفر دام‌ظله‌العالی عرضه و مقابله کنم و من کمترین و کوچک‌ترین بنده حق و محتاج‌ترین کس به رحمت او آن پادشاه مهربان و بخشنده محمدحسن طاهرآبادی از همه مطالعه‌کنندگان التماس دعا دارم تمام شد کتاب در روز یکشنبه چهاردهم ربیع الثانی ۱۳۲۵... فی سنة غشکه»^۹. «غشکه» به حساب ابجد همان سال ۱۳۲۵ است.

در اینجا شایان ذکر است با توجه به اینکه یکی از شیوه‌های تصحیح نسخه در میان قدماء، در واقع همان شیوه مقابله بوده که برای این امر، ابتدا نسخه دیگری از یک اثر، اعم از نسخه منقول عنها یا سایر نسخه‌بدل‌ها را به دست آورده و نادرستی‌های نسخه خویش را به شیوه جمع و تصحیح بعد از مقابله با آن اصلاح می‌کنند (کریمی و فرزام، ۱۳۹۷: ۱۶۴). ملا محمدحسن هم در انجامه یا ترقیمه، به نام دوست خود، «شیخ محمدجعفر»، بدون ذکر نام پدر یا لقب اشاره کرده و اذعان داشته که متن نسخه مذکور را برای عرضه و مقابله به این عالم فاضل و کامل، تقدیم

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کاتب عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طاهرآبادی

خواهد کرد؛ سخن ملا محمدحسن در ترقیمه، مبتنی بر مقابله نسخه با حاج شیخ ملا محمدجعفر، ما را بر آن داشت تا با مراجعه به تذکره‌ها و تراجم احوال بزرگان، درباره این شخصیت که از معاصران کاتب در قرن سیزدهم بوده، نیز تحقیق کرده و اطلاعاتی بدین شرح به دست آوریم:

۱-۹-۲-۳-۴. الشیخ محمدجعفر الجاسبی (بعد ۱۲۵۴)، یکی از محققان فاضل که به خط فارسی خود (مناسک حج) را خطاب به سید محمدباقر حاج الاسلام اصفهانی نوشت و آن را تصحیح کرد و در آخر آن به مطابقت برخی مسائل فارسی با پاسخ‌های خود از فتوای پرداخت و در رجب ۱۲۵۴ آن را تکمیل کرد (الذریعه).

۲-۹-۲-۳-۴. الشیخ المولی محمدجعفر کاشانی (بعد ۱۲۷۳) فرزند محمدباقر النراقی الکاشرانی، دانشمند با فضیلتی که *الحجة البالغة* از آثار او است و به نظر می‌رسد که مرگ او پس از این تاریخ بوده است.

۳-۹-۲-۳-۴. ملا محمدجعفر بن محمد صادق خطیب کاشانی، مبلغ، فاضل، صالح، متقی و کاتب بوده است (سلمانی آرانی، ۱۳۹۹: ۱۴۵). حسینی اشکوری در فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی ۱۷۵/۲۵ نقل کرده که محمدجعفر بن محمدصادق خطیب کاشانی، از فضلالی قرن یازدهم هجری است که در اصفهان نزد عده‌ای از علما و فقهای آن شهر از جمله علامه ملا محمدباقر مجلسی به تحصیل پرداخت. او نسخه‌ای از *من لا یحضره الفقیه* تألیف شیخ صدوق را در سال ۱۰۸۸ق به خط نسخ کتابت کرد.

۴-۹-۲-۳-۴. ملا محمدجعفر ادیب ابن ملا محمد مهدی بن ملا محمدجعفر بن حاج محمد حسین بن حاج عبدالواسع کاشانی (۱۲۵۴-۱۳۲۳)، مبلغ، قاری و مکتب‌دار بوده است (سلمانی آرانی، ۱۳۹۹: ۱۴۵). آثار او عبارت‌اند از: *تفسیر دو جلدی قرآن کریم*، *تذکره منظوم سلطان‌علی علیه‌السلام* (۶۸۶ بیت)، *جنگ ادعیه*، *جنگ اشعار*، *مجالس*، *منشآت*، *جنگ المهملات* و *مجموعه اشعار... (عاطفی، ۱۳۸۹: ۲۴)*. با اندکی تأمل می‌توان دریافت که از ملا محمدجعفر، نسخه خطی به جای نمانده و از استنساخ او گزارشی وجود ندارد.

۵-۹-۲-۳-۴. حجت‌الاسلام محمدجعفر علامه فیض متولد سال ۱۲۷۶ش در کاشان که در جلسات درس والدش میرزا محمد ابراهیم، آیت‌الله سید محمد علوی بروجردی و ملا حبیب‌الله شریف شرکت کرده و از آثار ایشان می‌توان به *مشکاة الهدایه فی ترجمه البدایه*، *دیوان اشعار*، رساله کوتاهی در شرح جلدش ملا محمدحسن فیض و نیز مجموعه‌ای در شرح حال برخی از

علمای خاندان فیض و... اشاره کرد. ایشان در آذر ۱۳۳۷ برابر با ۲۶ جمادی الاول ۱۳۷۸ در گذشت. مقبره ایشان در جوار ملا محسن فیض کاشانی است (عاطفی، ۱۳۸۹: ج ۳، ۲۲۰).

۴-۳-۹-۶. ملا محمدجعفر بحرینی آرانی در محله درب مسجد قاضی آران در سال ۱۲۶۵ق متولد شد. وی مقدمات دروس حوزوی را نزد پدر آموخت؛ مدتی در حوزه علمیه کاشان، اصفهان و حوزه نجف سطوح عالی فقه و اصول را نزد آیات عظام ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، حاج سید مصطفی کاشانی، شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی و سید محمد فشارکی آموخت و بعد از کسب اجازه از ایشان به آران بازگشته و به وعظ و ارشاد و پاسخ به سؤالات شرعی و اقامه نماز جماعت پرداخت و سرانجام در ۲۹ رجب سال ۱۳۴۸ق درگذشت و در مقبره خانوادگی خود جنب بقعه محمدلال به خاک سپرده شد (سلمانی آرانی، ۱۳۹۱: ۹۹). با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت که احتمال اینکه منظور از حاج شیخ محمدجعفر یکی از موارد فوق باشد، بسیار محتمل است. در کتاب *سیمای کاشان* به صورت مختصر و بدون شرح و توضیح به نام ملا محمدجعفر بن محمد آرانی در شمار علمای قرن دوازدهم و ملا محمدجعفر نراقی در شمار علمای قرن سیزدهم اشاره شده است (سلمانی آرانی، ۱۳۷۵: ۱۵۲).

۵. مشخصات نگارشی-ویرایشی نسخه ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی

با توجه به اینکه دوران حکومت قاجار از نظر خلق آثار منظوم و مشهور پر بار بوده و برخلاف ارزش علمی و ادبی این آثار، اشکالات فاحش و اغماض‌ناپذیری در امر نگارشی و ویرایشی داشته‌اند (خاتمی و اصغری طرفی، ۱۳۹۱: ۲۴). نسخه ملا محمدحسن با توجه به اینکه از روی نسخه *وافی* نگاشته شده، اشکالاتی مانند افتادگی متن، یا املاهای ناصحیح برخی لغات در آن، بسیار انگشت‌شمار است و ایشان سعی کرده تا به‌طور دقیق از روی نسخه مأخوذمنه رونویسی کند. البته کاتب به نسخه اصلی که از روی آن استنساخ کرده، اشاره‌ای نداشته؛ یا در صورت اشاره هم به احتمال زیاد، مربوط به بخش‌های مفقودشده نسخه مذکور بوده است.

از مشخصات ظاهری متن نسخه دست‌نویس از نظر نگارشی-ویرایشی، این است که: اثری از علائم سجاوندی، رعایت تورفتگی سر سطر یا فاصله‌گذاری میان سطرها دیده نمی‌شود؛ البته با توجه به قدمت نه‌چندان کهن آیین نگارش و ویرایش، نمی‌توان به کاتب خرده‌ای گرفته و اغلب، کاتبان از همین شیوه، برای نگارش استفاده می‌کرده‌اند. در این نسخه، مطالب به صورت پیوسته و مسلسل‌وار بیان شده و تا پایان جلد پنجم به همین ترتیب، نسخه‌برداری از متن اصلی کتاب *«وافی»* ادامه یافته و باب‌ها بدون شماره‌گذاری به دنبال یکدیگر ذکر شده‌اند؛ برای مثال در نسخه

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از *وافی* به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طاهرآبادی

ملا محمدحسن آمده است: «... هذا المصلى ما فى الصلوة ما انفتل بيان أعنان السماء نواحيها...». با اندکی تأمل در متن مذکور می‌توان پی برد که ملا محمدحسن با تمام شدن جمله «ما انفتل»، بدون گذاشتن نقطه برای اعلان پایان جمله و رفتن به سر سطر، بلافاصله با ذکر کلمه «بیان» وارد بحث بعدی شده است. نسخه مذکور پاورقی ندارد و با دو رنگ سیاه و شنگرف و به خط نسخ نگاشته شده است؛ به عبارت دیگر، متن اصلی کتاب با رنگ سیاه نگاشته شده، اما برای تمیز دادن برخی اعلام و شماره ابواب و علائم اختصاری منابع از رنگ شنگرف، استفاده شده است. در اینجا باید ذکر شود که شنگرف و سرنج از رنگ دانه‌های قرمز بوده که از عهد باستان کاربرد داشته است و موادی مانند نیل، لاجورد، شنگرف، سرنج، روناس و سفید سرب از مواد رایج برای کتاب‌آرایی متون قدیمی به‌ویژه در عصر صفوی بوده است و استفاده از همین مواد رنگی به صورت ثابت در نسخ خطی، اصالت آن‌ها را ثابت کرده و از سویی شناسایی رنگ‌دانه‌ها و رنگینه‌ها یکی از مهم‌ترین روش‌های تأیید اصالت نسخ خطی است (بهادری و بحرالعلومی، ۱۳۹۶: ۱۰۷ و ۱۲۲). پژوهش‌های محققان نشان داده که رنگ‌مایه‌ها و عوامل پیونددهنده مورد استفاده در نسخه‌های خطی و دیوارنگاره‌ها کاملاً با یکدیگر یکسان بوده و در دوره قاجار از سرنج برای رنگ قرمز استفاده می‌شده و علاوه بر رنگ قرمز، رنگ سبز، لاجورد، آبی و طلایی از رنگ‌های متداول و پرکاربرد در دوره قاجار بوده‌اند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴ و ۷۴). البته شایان ذکر است که از دیگر مشخصات نسخه ملا محمدحسن، این است که بعد از ذکر آیات قرآن کریم و احادیث روایی، به منبع اصلی آن‌ها ارجاع نداده است. شاید یکی از دلایل ملا محمدحسن در عدم ذکر منبع آیات و احادیث روایی، فقدان این ارجاعات در متن نسخه مأخوذه بوده است. وی در نسخه خود، آیات قرآن کریم را بدون اعراب‌گذاری ذکر کرده است. ملا محمدحسن ناصحی در پایان هر صفحه بعد از تمام شدن مطالب، اولین واژه صفحه بعدی را برای سهولت در خوانش، در قسمت حاشیه پایانی صفحه در گوشه سمت چپ ذکر کرده است؛ برای مثال، صفحه ۸ نسخه ایشان با عبارت «عن اسحق بن عمار عن ابی بصیر و عثمان بن» به پایان رسیده و آغاز صفحه ۹ با عبارت «عیسی عن یونس بن ظبیان» شروع شده و ملا محمدحسن، اولین واژه صفحه ۹ را در پایین صفحه ۸ گوشه چپ آورده است؛ البته باید ذکر شود که این ویژگی فقط در صفحات زوج کتاب تکرار شده است (نسخه ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی، ۱۳۲۵ق: ۹-۸). از دیگر مشخصات نسخه ملا محمدحسن ناصحی آن است که در مجموع در هر دو جلد پنجم و ششم نسخه مذکور، با خط شنگرف نازک ۲۸۵۷ واژه

را- که اغلب اسامی اعلام، اشخاص و معرفه هستند- از سایر متن ممتاز کرده است که ۸۸ مورد از این ۲۸۵۷ واژه، مربوط به بخش نسخه‌نویسی شده از جلد ششم *وافی* است؛ برای مثال، در صفحه ۱۴۷ جلد پنجم نسخه ملا محمدحسن، کلمات «محمد بن احمد... ابن محبوب، البصری عن الصادق... الحسین و...» از سایر واژه‌های این صفحه با رنگ شنگرف متمایز شده است (نک: همان: ۱۴۷/۵). ملا محمدحسن برای نسخه‌برداری خود از کتاب *وافی* به نسخه‌بدل‌ها هم توجه داشته است؛ چنان‌که در صفحه ۵۳ در حاشیه سمت چپ صفحه نوشته «نسخه‌بدل عن احمد عن عیسی بن زید»؛ درحالی‌که در متن کتاب آمده است: «عن بن عیسی عن زید» (همان: ۵۳/۶). البته مؤلف نسخه‌بدل با توجه به متن کاتب، مشخص نیست.

۱-۵. مشخصات علائم اختصاری نسخه

علائم اختصاری به‌کاررفته در نسخه ملا محمدحسن به شرح ذیل است:

- ۱-۱-۵. علامت «کا»: که منظور همان کتاب کافی، یکی از مهم‌ترین و معتبرترین کتاب‌های حدیثی شیعه، اثر ثقة الاسلام از مرحوم شیخ کلینی رحمه الله علیه شامل روایات اعتقادی، فقهی و احادیث متفرقه است. در تمام نسخه ملا محمدحسن این علامت با رنگ شنگرف مشخص شده و یک علامت نیم‌دایره بر روی این علامت اختصاری قرار دارد که برای متمایز کردن این علامت اختصاری با سایر مطالب متن نسخه است که البته در برخی موارد هم ملا محمدحسن فراموش کرده تا این علامت نیم‌دایره یا منحنی را بر روی این علائم اختصاری قرار دهد.
- ۲-۱-۵. علامت «پ»: علامت تهذیب الاحکام از جوامع روایی معتبر شیعه و سومین کتاب از کتب اربعه و مورد قبول علما و فقهای شیعه، اثر ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (د ۴۶۰ق/ ۱۰۶۸م) مشتمل بر روایات حاوی احکام شرعی است
- ۳-۱-۵. علامت «یه»: این علامت همان کتاب من لا یحضره الفقیه است که در متن اصلی کتاب *الوافی* به‌صورت واژه «فقیه» ذکر شده است.
- ۴-۱-۵. علامت «عج»: بیانگر همان واژه «عزوجل» است.
- ۵-۱-۵. علامت «صلعم»: بیانگر عبارت دعایی صلی الله علیه و آله و سلم است.
- ۶-۱-۵. علامت «صح»: بیانگر عبارت «صحیح است» می‌باشد که برای صحت‌گذاری بر روی مطالب است.

۶. نتیجه‌گیری

از دیرباز، موقعیت مذهبی و جغرافیایی خاص کاشان، سبب شده تا این شهر در شمار یکی از

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از *وافی* به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصحی طهرآبادی



کانون‌های مهم رشد و بالندگی علما و دانشمندان برجسته عالم تشیع قرار گیرد؛ چنان‌که مرحوم ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی، در شمار یکی از علما و فقهای مشهور طاهرآباد کاشان و از چهره‌های شامخ مذهبی و علمی این خطه بوده است که فقط یک نسخه خطی از کتاب *وافی* مرحوم علامه فیض کاشانی، به خط خوش از ایشان به جای مانده و تاکنون درباره این عالم فقیه، زندگی و تنها اثر وی، هیچ پژوهشی انجام نگرفته است؛ همچنین با در نظر گرفتن این مسئله که کاشان از کانون‌های مهم استنساخ نسخ خطی نیز قلمداد می‌شده، بازار استنساخ آثار برجسته علمای مشهور شیعه به‌ویژه ملا محسن فیض کاشانی بسیار گرم بوده است؛ چنان‌که *وافی* در شمار یکی از آثار برجسته فقهی- حدیثی ملا محسن فیض به زبان عربی است که بارها مورد استنساخ نساخان قرار گرفته و در قرن سیزدهم یک بار دیگر، این اثر توسط عالم ادیب ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی استنساخ شده و بررسی‌ها نشان داد که این اثر تا حد زیادی می‌تواند بیانگر مهارت کاتب در زمینه خط و زبان عربی، وسعت دایره اطلاعاتی کاتب در زمینه علوم قرآنی، حدیثی و فقهی، دقت نظر و امانتداری در امر کتابت و نیز شناخت روش‌مندی وی در امر کتابت و نیز سبک نگارش ایشان باشد. در این پژوهش، بعد از معرفی اجمالی علامه فیض و کتاب *وافی* ایشان، ساختار و محتوای عناصر کتاب‌شناختی نسخه خطی مرحوم ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و بدین وسیله اطلاعات علمی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و هنری فراوانی از طریق بررسی این نسخه خطی استخراج شده و بسیاری از ویژگی‌های این نسخه و نیز کاتب آن برای مخاطبان معرفی شده و تا اندازه‌ای به شناخت و معرفی نوع و سبک نگارش کاتبان عصر قاجار کمک کرده است.

پی‌نوشت‌ها

1. محل نگهداری نسخه‌های مذکور، کتابخانه آستان مقدس حضرت هلال بن علی (ع) در شهرستان آران و بیدگل است.
2. البته غیر از *وافی* کتاب‌هایی مانند *حقایق* ملا محسن فیض نیز در شمار آثار خطی عصر صفوی بوده که در سال ۱۰۹۰ق به تحریر درآمده و بنا بر نظر مشهور، آخرین کتاب مؤلف بوده که نورالدین اخباری نوّه برادر ملا محسن هفت سال بعد در سال ۱۰۹۸ق این کتاب را به فارسی ترجمه و دو نسخه از اثر مذکور موجود است (ترابی قریه‌علی، ۱۳۹۵).
3. در فرهنگ *طاهرآباد* هم به‌صورت مختصر به نام ملا محمدحسن و پدر بزرگوار ایشان ملا محمدحسین و ذکر خاطره‌ای از ایشان بسنده شده است (اسماعیلی طاهری، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵).



تصویر صفحه فهرست مطالب جزء ششم به خط کاتب و صفحه اول نسخه خطی (به ترتیب از راست به چپ)

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طاهرآبادی

۵. «آستر بدرقه» کتاب منظورهمان صفحات کاغذ سفید یا رنگی تاخورد، ۴ صفحه به قطع صفحات کتاب است که هر قطعه را از محل تازدن در اول و آخر اوراق صحافی شده کتاب به شانه عطف می چسبانند و سپس هنگام جلدگذاری نیمی از هر قطعه را به دو قطعه جلد چسبانده تا سطح داخلی آن‌ها را پوشانده، راه کاغذ آستر باید موازی شیرازی کتاب باشد» (پورممتاز، ۱۳۸۰: ۴۵۱).

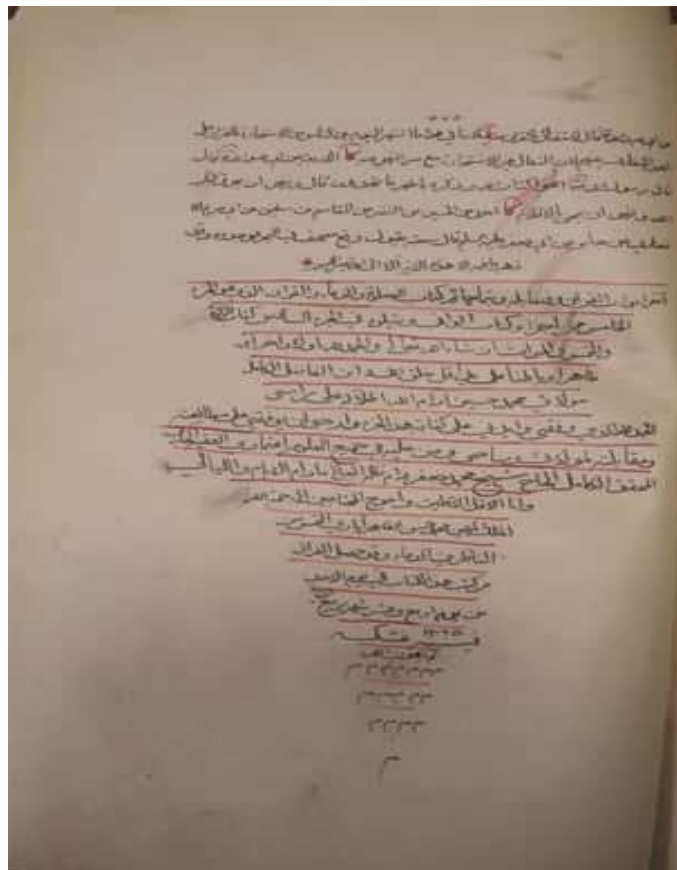
۶. این خط بر روی کاغذ فرنگی حک شده و در نور قابل رؤیت بوده است (نک: افشار، ۱۳۹۳: ج ۲، ۱۸۱).

۷. تصویر مهر کاتب در آخرین صفحه نسخه خطی به شکل ذیل است:



۸. مهر برجسته بی رنگ.

۹. تصویر ترقیمه نسخه خطی





منابع

۱. آراسته، منوچهر (۱۳۹۳)، بررسی کتاب‌های چاپ سنگی ایران دوره محمدشاه تا اواسط دوره ناصری، موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی از بعد و ویژگی‌های کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی، قواعد فهرست‌نویسی و ساختار مارک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اطلاعات، کتابداری و دانش‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، استاد راهنما: اسدالله آزاد.
۲. اسکندری، کلثوم (۱۳۹۴)، بررسی عناصر نسخه‌شناسی و کتاب‌آرایی در جنگ‌ها و مجموعه‌های خطی موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی - نسخه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، استاد راهنما ابوالفضل حسن‌آبادی.
۳. اسماعیلی طاهری، حسن (۱۳۸۸)، فرهنگ طاهراآباد، کاشان: نشر مرسل.
۴. افشار، ایرج (۱۳۹۳)، کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی، ج ۲، تهران: میراث مکتوب.

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طاهراآبادی

۵. براتی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *مبانی عرفانی در دیوان اشعار فیض کاشانی*، مجله تخصصی مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان، سال چهارم، شماره ۴ و ۵، ۲۷-۵.
۶. بنی‌اقبال، ناهید و همکاران (۱۳۹۳)، «تحلیل کتاب‌شناختی نسخه‌های خطی فارسی دوره صفویه با تأکید بر ویژگی‌های کتابتی و نوع خط»، *مجله دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات)*، دوره ۷، شماره ۲۷، ۱۷-۳۰.
۷. بهادری، رؤیا و بحرالعلوم، فرانک (۱۳۹۶)، «شناسایی رنگینه‌ها و رنگ‌دانه‌های به‌کاررفته در تزیینات و مرکب نسخ خطی قرآنی دوره صفوی»، *فصلنامه گنجینه اسناد*، سال بیست‌وهفتم، دفتر اول، ۱۰۴-۱۲۵.
۸. پاشایی، ژیلا (۱۳۹۳)، «ظهور نقش مایه ماهی آیین مهر در مهرهای دوره قاجار و فلوس‌های دوره صفوی و قاجار»، *فصلنامه گنجینه اسناد*، سال بیست‌وچهارم، شماره ۲ (پیاپی ۹۴)، ۱۰۶-۱۳۷.
۹. پاشایی، ژیلا و جباری، صداقت (۱۳۹۱)، «ظهور نقوش انسانی در مهرهای دوره قاجار (با تأثیرپذیری مهرها از سکه‌ها و مدال‌های آن دوره)»، *مجله علمی پژوهشی گنجینه اسناد*، شماره ۸۸، ۸۸-۱۰۷.
۱۰. پورممتاز، علیرضا (۱۳۸۰)، *کاغذ*، شهره مدرسی تهرانی زیر نظر محمد رنجبری، تهران: خانه کتاب ایران.
۱۱. ترابی قریه‌علی، سید ابوالحسن (۱۳۹۵)، *تصحیح انتقادی نسخه خطی ترجمه فارسی نورالدین اخباری از حقایق ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ق)*، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، استاد راهنما: علی محمد پشت‌دار.
۱۲. حسینی اشکوری، سید جعفر (۱۳۹۴)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و مرکز اسناد آستان محمد هلال بن علی بن ابیطالب (ع)*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات (سازمان اوقاف و امور خیریه).
۱۳. حیدری‌فرد، جابر (۱۳۹۴)، *بررسی شاخصه‌های ساختاری و محتوایی اسناد شرعی فارس در دوران قاجار بر اساس اسناد موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی - نسخه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، استاد راهنما: ابوالفضل حسن‌آبادی.
۱۴. خاتمی، احمد و اصغری طرقي، مژگان (۱۳۹۱)، «سایه نثر قاجار بر شیوه نگارش فارسی امروز»، *مجله ادب فارسی*، دوره ۲، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، ۲۱-۴۳.
۱۵. سبحانی صدر، حمید (۱۳۹۸)، *حدیث فیض: سیری در زندگی، اندیشه و آثار ملامحسن فیض کاشانی*، قم: واژه‌پرداز اندیشه.
۱۶. سلمانی آرانی، حبیب‌الله (۱۳۷۵)، *سیمای کاشان (کانون فضیلت)*، قم: نشر بشیر.
۱۷. _____ (۱۳۹۱)، *مفاخر آران (شرح حال عالمان، مبلغان و طلاب شهید دفتر اول)*، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، تهران: اسوه.
۱۸. _____ (۱۳۹۹)، *فهرست اعلام ولایات ثلاث (کاشان، نطنز، آران و بیگلر)*، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران: نشر اسوه.
۱۹. شاملی، نصرالله و بناییان اصفهانی، علی (۱۳۸۸)، «روش فیض کاشانی در شرح احادیث غیر فقهی بر اساس کتاب الوافی»، *نشریه علوم حدیث*، سال چهاردهم، شماره ۲، ۱۲۴-۱۴۱.

۲۰. شفیعی، سعید (۱۳۸۷)، «اتحاد عقل و نقل و شهود در اندیشه فیض کاشانی»، مجله تخصصی مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان، سال چهارم، شماره ۴ و ۵، ۱۱۰-۱۳۳.
۲۱. صادق‌زاده وایقان، علی (۱۳۹۷)، «سهم و جایگاه کاشان در حوزه نسخه‌های خطی اسلامی ایران و عراق»، نشریه کاشان‌شناسی، شماره ۱۲ (پیاپی ۲۰)، ۴۵-۶۲.
۲۲. عاطفی، افشین (۱۳۸۹)، بزرگان کاشان، ج ۳، قم و کاشان: افق فردا و مرسل.
۲۳. عباسی، جواد و همکاران (۱۳۹۵)، «شناسایی مواد و رنگدانه‌های به‌کاررفته در نقاشی‌های دیواری مجموعه باغ و عمارت تاریخی رحیم‌آباد بیرجند»، نشریه پژوهش‌های باستان‌سنجی، سال دوم، شماره ۲، ۶۳-۷۶.
۲۴. عبدامین، مجید (۱۳۹۴)، «مجموعه عرایض و نامه‌های اشخاص به ناصرالدین شاه»، پیام بهارستان، سال هشتم، شماره ۲۶، ۱۱۸-۸۵.
۲۵. فریدونی، علی و عمادی، مرجان (۱۳۹۰)، «بررسی عناصر فهرست نویسی نسخه‌های خطی و تعاریف آن‌ها»، نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی، شماره ۱۲ و ۱۳، ۱-۲۴.
۲۶. فهیمی‌تبار، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «تفسیر صافی و زمینه‌های اجتهاد در آن»، مجله تخصصی مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان، سال چهارم، شماره ۴ و ۵، ۳۱۵-۳۵۹.
۲۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۷)، معتصم الشیعة فی احکام الشریعة، تحقیق مسیح توحیدی وحدت، به اشراف محمد امامی کاشانی، تهران: المدرسة العلیا للشهید المظهری.
۲۸. کریمی، شهلا و فرزام، فریبا (۱۳۹۷)، «درآمدی بر تعیین اصالت در نسخه‌های خطی»، آرشیو ملی، سال چهارم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، ۱۶۰-۱۷۷.
۲۹. مافی تبار، آمنه و کاتب، فاطمه (۱۳۹۷)، «بازیابی طرح و نقش پارچه‌های عصر فتحعلی‌شاه قاجار با استفاده از پیکرنگاری درباری»، دوفصلنامه علمی ترویجی پژوهش هنر، سال هشتم، شماره ۱۵، ص ۸۷-۱۰۷.
۳۰. محمودی، رقیه و همکاران (۱۳۹۷)، «مقایسه ویژگی‌های انواع کاغذ مورد استفاده در تولید سند (از قاجار تاکنون)»، فصلنامه آرشیو ملی، سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی ۱۵)، ۱۴۴-۱۶۹.
۳۱. موحدی‌محب، عبدالله (۱۳۸۷)، «نگاهی به فیض‌گذری بر وافی»، مجله تخصصی مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان، سال چهارم، شماره ۴ و ۵، ۴۹-۶۹.
۳۲. میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق و پورمند، حسنعلی (۱۳۹۰ الف)، «بررسی شیوه‌های حکاکی و مهرکشی در دوره قاجار»، نشریه نگره، دوره ۶، شماره ۲۰، ۵۹-۶۷.
۳۳. _____ (۱۳۹۰ ب)، «پیشینه و روش‌شناسی در دانش مهرشناسی اسلامی در ایران»، پیام بهارستان، سال سوم، شماره ۱۲، ۳۷۴-۳۸۵.
۳۴. ناصحی طاهرآبادی، ملا محمدحسن (۱۳۲۵ق)، نسخه دست‌نویس از جزء ۵ و ۶ کتاب وافی مرحوم ملامحسن فیض کاشانی (نسخه مخطوط)، طاهرآباد کاشان.
۳۵. نصرآبادی اصفهانی، میرزا محمدطاهر (۱۳۱۷)، تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، تهران: چاپ برجسته ملا محمدحسن ناصحی طاهرآبادی.

توصیف و تحلیل
علمی نسخه‌های دیگر
از وافی به کتابت عالم
برجسته ملا محمدحسن
ناصری طاهرآبادی



۳۶. نقوی، سوگند وخنجری، رضا (۱۳۹۴)، «معرفی پنج نسخه خطی قاجاری متعلق به مؤسسه و کتابخانه موزه ملی ملک»، دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، ۱-۱۳.
۳۷. نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۷)، *أقوال العلماء فی ترجمة المولی محسن فیض الکاظمی ۱۰۰۷-۱۰۹۱ق*، تهران: مدرسه العلیا للشهید المطهری.